



مدرسه عالی تخصصی فقه و اصول

رشته فقه حقوق قضایی

عنوان پایان نامه:

«نظام تعدد قاضی از منظر فقه اهل بیت Δ فقه حنفی و حقوق افغانستان»

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عادل ساریخانی (دام عزه)

دانش پژوه:

علی داد سعیدی

کد: ۱۱۵۴۵۴۷

سال ۱۳۹۷



مسئولیت مطالب

- * مسئولیت مطالب مندرج در این پژوهش به عهده‌ی نویسنده است.
- * هرگونه استفاده و نقل قول از این پژوهش، با ذکر منبع بلامانع است.
- * نشر این پژوهش در داخل کشور جمهوری اسلامی ایران منوط به مجوز "جامعة المصطفی العالمیة" است.

اهداء

این تحقیق و پایان نامه تقدیم می‌شود به ساحت مقدس پیشوایان دینی و همه اندیشمندان و متفکران دلسوز مسلمان و راست قامتان بزرگ تاریخ که همواره در حمایت و دفاع از مکتب راستین اهلبیت Δ و پاسداری از حریم مقدس تعالیم و آموزه های الهی، تعهد و صداقت خودشان را نسبت به اسلام و جامعه اسلامی به نمایش گذارده و باریختن شالوده های محکم و تزلزل ناپذیر، در برابر امواج خروشان و ویرانگری شبهات و چالش‌ها، بهترین و بنیادی ترین نقش خود را در شکستن بن بست ها، رفع چالش‌ها و شبهات در راستای انطباق اسلام عزیز با مقتضیات زمان و تحولات متغیر جهانی، ایفا نموده‌اند.

تقدیر و سپاس

ضمن ستایش و سپاس فراوان از الطاف، عنایات و فیوضات نامحدود حضرت باری تعالی که در همه حال شامل حال انسان می‌گردد، از باب من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق بر خود لازم می‌دانم از رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای K دامت برکاته که این بستر را فراهم نمود تا جوانان عاشق و شیفته علم و دانش از اقصی نقاط عالم برای فراگیری علوم و معارف اسلامی بصورت نظام مند، در جمهوری اسلامی ایران حضور بهم رسانند تا از این بستر فراهم شده استفاده نموه و بادیست پر به کشور و وطنش برگشته تا انسانهای تشنه و جویای حقیقت را بسوی حق و حقیقت رهنمون سازد، تشکر نمایم، و هم چنین از استادفرزانه، بزرگوار، توانا و ارجمندم «حضرت حجّت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر عادل ساریخانی» که به عنوان استاد راهنما، در تمام مراحل تدوین این نوشتار با توجه و عنایت خاص و صبر و تعاون و همکاری مطلوب و با حسن نظر و کمال دقت و ارائه نکات مهم و راه گشا در استواری مفاهیم و تقویت علمی و محتوای این اثر، اصلاح شکلی و ساختار منطقی آن، نقش سازنده و مهمی را ایفا نموده است تشکر و سپاس ویژه نمایم، هم چنین از ریاست محترم **جامعة المصطفی العالمیه**، مسئولین و واحد های ذی ربط مستقر در گروه فقه قضایی که زمینه‌ای این حرکت بزرگ و ارزشمند را فراهم نموده و به نحوی با اینجانب همکاری داشته‌اند باکمال امتنان، تقدیر و تشکر خود را ابراز دارم و از خداوند منان توفیقات روز افزون همه شان را خواهانم.

و من الله التوفیق

چکیده

سیستم تعدد قاضی که به نام‌های «قضاوت شورایی»، «قضاء جمعی» و «قضاء مشترک» خوانده می‌شود، عبارت است از قضاوت و انشاء و اصدار حکم توسط چند نفر قاضی به صورت گروهی در باره یک مسأله. امروزه در نظام‌های قضایی جهان مرسوم است که داوریه‌ها به صورت گروهی صورت می‌گیرد. این نوع رسیدگی که علاوه بر استحکام و اتقان در داوری به عدالت نزدیک به نظر می‌رسد، این سوال را پدید می‌آورد که دیدگاه فقه امامیه و فقه حنفی به عنوان دو رویکرد در دنیای اسلام و نیز دیدگاه حقوق افغانستان در این باره چیست؟ تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به تبیین دیدگاه‌های فقه اهل بیت، فقه حنفی و حقوق افغانستان پرداخته، به این نتیجه رسیده است که: تعدد قاضی یعنی داوری و دادرسی یک دعوی اعم از مدنی و جزایی توسط سه، پنج، هفت، نه و یازده... به کمک یکدیگر به گونه‌ای که بالاتفاق یا بصورت اکثریت رأی را صادر و انشاء نمایند؛ بدین معنا که رأی صادر شده مورد اتفاق یا اکثریت قضاوت باشد. با مقایسه دیدگاه‌ها و ادله فقها و حقوقدانان مخالف و موافق، دیدگاه موافق تعدد قاضی از دلایل قوی تری بر خوردار است و در جلب اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی در امر قضا و نیز افزایش مقبولیت عمل کرد دستگاه قضایی سهم به‌سزایی می‌تواند داشته باشد. بدیهی است ضابطه مند کردن این نوع قضاوت و ترویج آن، به تدریج کاستی‌ها و نقایص آن را بر طرف خواهد ساخت.

کلیدواژگان: قضاوت، حکم، فقه، نظام، تعدد قاضی، قاضی مأذون.

فهرست مطالب

چکیده	۶
مقدمه	۴
۱ - بیان مسأله	۵
۲- سؤال‌های تحقیق	۵
الف. سؤال اصلی تحقیق	۵
ب. سؤال‌های فرعی تحقیق	۵
۳ - فرضیه تحقیق	۶
۴ - اهداف تحقیق	۶
۵ - روش تحقیق	۶
۶ - قلمرو تحقیق	۶
۷ - ضرورت تحقیق	۶
۸ - پیشینه تحقیق	۷
۹ - ساختار تحقیق	۷
فصل اول: مفاهیم و کلیات	۹
گفتار اول: مفاهیم	۱۰
الف: مفهوم قضا	۱۰
۱- قضا در لغت	۱۰
۲- قضا در اصطلاح	۱۳
۱،۱- فقه شیعه	۱۳



فهرست مطالب:

۱۴	۲,۱- فقه اهل سنت
۱۵	۲,۲- تعریف حنفیه
۱۵	۲,۳- تعریف مالکیه
۱۵	۲,۴- تعریف حنابله
۱۵	۲,۵- تعریف شافعیه
۱۶	ب: مفهوم حکم
۱۶	۱- حکم در لغت
۱۶	۲- حکم در اصطلاح
۱۷	ج: مفهوم فقه
۱۷	۱- فقه در لغت
۱۸	۲- فقه در اصطلاح
۱۹	فقه در اصطلاح قرآن و روایات
۲۱	د: مفهوم نظام
۲۱	۱- نظام در لغت
۲۱	۲- نظام در اصطلاح
۲۲	هـ: مفهوم مبانی
۲۲	۱- مبانی در لغت
۲۳	۲- مبانی در اصطلاح
۲۵	و: مفهوم تعدد قاضی
۲۵	ز: قاضی مأذون
۲۶	گفتار دوم: پیشینه و تاریخچه تعدد قاضی
۲۶	الف: پیشینه تعدد قاضی قبل از اسلام
۳۰	ب: پیشینه تعدد قاضی در نظام حقوقی اسلام



فهرست مطالب:

- ۱- قرآن کریم ۳۰
- ۲- روایات ۳۲
- ۲,۱. روایت عمر بن حنظله ۳۳
- ۲,۲. روایت موسی بن اکیل ۳۳
- ۲,۳. روایت داوود بن الحصین ۳۴
- ۲,۳ - نمونه های مشوره بارز پیامبر اکرم Δ ۳۴
- ج: پیشینه تعدد قاضی در نظام حقوقی افغانستان ۳۶
- فصل دوم: ۴۰
- دیدگاه های مختلف در نظام تعدد قاضی و ادله آن ها ۴۰
- مبحث اول: مبانی تعدد قاضی و وحدت قاضی ۴۱
- گفتار اول: مبانی تعدد قاضی ۴۱
- الف: عدل ۴۱
- ب: شوری و مشورت ۴۳
- گفتار دوم: مبانی وحدت قاضی ۴۵
- الف: کنترل وجهت دهی وحدت قاضی ۴۵
- ب: تعجیل و سرعت داد رسی در وحدت قاضی ۴۶
- مبحث دوم: مخالفین نظام تعدد قاضی و ادله آنها ۴۷
- گفتار اول: اقوال و دیدگاه ها ۴۷
- الف: اقوال فقهای اهلیت Δ ۴۷
- ب: اقوال فقهای مذهب حنفی ۴۹
- گفتار دوم: ادله فقهاء ۵۰
- الف: ادله عدم تعدد قاضی در فقه اهلیت Δ ۵۰
- ۱- انصراف ادله ۵۰



- ۲- اضافی بودن امر قضا و عدم امکان تشریک در آن ۵۰
- ۳- رفع اختلاف با امر مورد اختلاف ۵۱
- ۴- تقلید در قضا ۵۱
- ۵- تعدد قاضی و انگیزه اختلاف میان قضات ۵۲
- ۶- ظهور ادله قضا بر قاضی واحد است نه تعدد قاضی ۵۲
- ۷- شرط اعمال ولایت ، وحدت است نه تعدد ۵۲
- ۸- استقلال قاضی و نفی تعدد قاضی ۵۳
- نقد و بررسی ادله عدم تعدد قاضی ۵۴
- ۱- عدم انصراف ادله ۵۴
- ۲- امکان تشریک در امر قضا ۵۴
- ۴- امکان رفع اختلاف ۵۴
- ۵- نفی تقلید در امر قضا ۵۵
- ب: ادله فقهی حنفی ۵۶
- مبحث سوم: موافقین نظام تعدد قاضی و ادله آنها ۵۶
- گفتار اول: اقوال فقها ۵۶
- الف: فقه اهلبیت Δ ۵۶
- ب: فقه حنفی ۶۰
- گفتار دوم: ادله فقها ۶۱
- الف. ادله فقهای اهلبیت Δ ۶۱
- ۱- قرآن کریم ۶۱
- ۲- اصل اباحه وجواز ۶۲
- ۳- نیایی بودن امر قضاوت ۶۴
- ۵- بنای عقلا ۶۵



فهرست مطالب:

۶۷	۶. اصل عدم اشتراط وحدت قاضی.....
۶۷	۷- اطلاق جواز قضاوت قاضی مأذون.....
۶۸	۸ - بنای عقلا.....
۶۹	۹ - روایات.....
۶۹	ب: روایت عمر بن حنظله.....
۶۹	ج: روایت موسی بن اکیل.....
۷۰	۱۰- واحد بودن مصیب.....
۷۱	۱۱ - وکالت.....
۷۱	۱۲ - وصایت.....
۷۱	۱۳ - قاضی تحکیم.....
۷۳	گفتار دوم: ادله فقهای حنفی.....
۷۹	فصل سوم:.....
۷۹	آثار و نتایج نظام تعدد قاضی در فقه اهل بیت Δ و حقوق افغانستان.....
۸۰	اقسام قاضی در اسلام.....
۸۰	الف: قاضی منصوب.....
۸۰	ب: قاضی تحکیم.....
۸۰	ج: قاضی مأذون.....
۸۱	مبحث اول: بررسی آثار و نتایج نظام تعدد قاضی در فقه اهل بیت Δ و حقوق افغانستان.....
۸۱	گفتار اول: بررسی آثار و نتایج تعدد قاضی در فقه اهل بیت Δ
۸۱	الف. کثرت اعتبار دادرسی در حکم در تعدد قاضی.....
۸۲	ب: امکان اختلاف قضات در تعدد قاضی.....
۸۳	گفتار دوم: بررسی آثار و نتایج تعدد قاضی در حقوق افغانستان.....
۸۸	الف: آثار مثبت تعدد قاضی.....



فهرست مطالب:

- ۸۸..... ۱ - تضمین بیشتر تحقق عدالت در تعدد قاضی
- ۸۹..... ۲ - دریافت واقع به وسیله جمع
- ۹۰..... ۳ - افزایش اعتبار قضاوت و دادرسی در حکم در تعدد قاضی
- ۹۱..... ۴ - سرعت در تصمیم گیری
- ۹۱..... ۵ - استقلال قاضی در صدور رأی
- ۹۳..... ۶ - اقناع نسبی محکومان
- ۹۴..... ۷ - کاهش اشتباهات قضایی
- ۹۵..... ب: آثار منفی تعدد قاضی
- ۹۵..... ۱ - طولانی بودن فاصله زمانی در تعدد قاضی
- ۹۷..... ۲ - دشواری توافق قضات در اصل تعدد قاضی
- ۹۸..... ۳ - مشکل تشخیص قاضی مقصر در صورت اشتباه و تقصیر در امر دادرسی
- ۹۸..... مبحث دوم: تفاوت تعدد قاضی با قضاوت شورایی و هیأت منصفه
- ۹۸..... گفتار اول: تفاوت تعدد قاضی با قضاوت شورایی
- ۹۹..... گفتار دوم: تفاوت تعدد قاضی با هیأت منصفه
- ۱۰۶..... جمع بندی و نتیجه بحث
- ۱۰۷..... منابع و مأخذ
- ۱۰۷..... منابع عربی:
- ۱۱۲..... منابع فارسی:
- ۱۱۴..... مقالات

مقدمه

نهاد تعدد قاضی یا قضاوت شورایی به تعبیر برخی منابع تاریخی دیگر، قضاء الجمعی، قضاء المشترك یا طبق عبارات فقهای گرام: « نصب قاضیین فی بلد واحد»، بکار رفته مبتنی بر سیره عقلائیه است که در نظام های حقوقی دیده می شود. به گونه که مجمعی از قضات به صورت مشترک و در یک مورد به إنشاء و إصدار حکم بپردازند. برای تعاریف متعدد و گوناگونی وجود دارد، در کتابهای لغت به معنای قضاوت گروهی و دسته جمعی است و در اصطلاح فقها و حقوق دانان عبارت است از: نوعی قضاوت و داد رسی و داوری توسط ۳، ۵، ۷، ۹، و ۱۱.... نفر که تعداد آنها فرد باشد و هر چه اکثریت حکم کردند و یا اتفاق داشتند همان ملاک باشد و به عبارت دیگر تعدد قاضی عبارت است از: اینکه قاضی قبل از اتخاذ تصمیم، قضات متعدد را به عنوان افرادی عالم و آگاه، جهت مشورت دعوت و اظهار نظر می نمایند. بدین ترتیب پس از شور، حکم قضیه و راه فصل خصومت به نحو جمعی از جانب اکثریت تعیین می شود. بدین طریق مشاوره آنان جنبه مقدماتی دارد و صدور رأی که بر مبنای اکثریت است اعمال ولایت شرعی محسوب می شود. و این دو هیچ منافاتی با یکدیگر ندارند.

پیرامون تعدد قاضی سه دیدگاه و نظریه مهم در میان فقها و حقوق دانان وجود دارد

الف. عدّه قائل به جواز مطلق تعدد قاضی شده اند و معتقد اند که قضاوت هم بصورت وحدت قاضی و هم بصورت تعدد قاضی بلامانع است.

ب. عدّه در مقام مخالفت با تعدد قاضی بر آمده اند و مطلقاً آن را قبول ندارند و فقط قضاوت به صورت وحدت قاضی دارای شرایط را پذیرفته اند.

ج. عدّه قائل به تفصیل شده اند که خود ب دو دسته تقسیم می شود:

۱. بدین صورت که تعدد قاضی در قاضی تحکیم جایز است حتی چندین نفر می توانند قاضی تحکیم باشند

اما در غیر قاضی تحکیم جایز نیست.



۲. عدّه دیگر بر این عقیده اند که قاضی می‌تواند قبل از صدور رأی، از دیگر قضات نظر مشورتی بخواهد ولی در پایان، خود قاضی پرونده، اقدام به إنشاء حکم و صدور رأی نماید.

در نتیجه پس از تحقیقات به عمل آمده، در کلام تمامی فقها، به صراحت سخنی پیرامون نهاد تعدّد قاضی و یا قضاوت جمعی، به چشم نمی‌خورد اگر چه هم گروهی از فقها این مهم را در بحث صفات قاضی مورد غور و بررسی قرا داده اند ولی با بررسی ادلّه جواز قضا، فقها وحدت یا تعدّد قاضی را در شرایط قاضی مطرح نکرده اند. بنا براین از اطلاق ادلّه می‌توان راهی به سوی این شیوه قضاوت گشود.

۱- بیان مسأله

فقه اسلامی بر بنیاد قاضی واحد و قضاوت یک مرحله‌ای بنا گردیده که در آن شخص قاضی با داشتن سمت قضایی انشاء حکم نموده بعد از صدور حکم اصحاب دعوا ملزم به متابعت از آن می‌باشند. از طرفی دیگر آنچه امروزه در نظام‌های قضایی جهان مرسوم است نظام تعدّد قاضی است که بر بنیاد آن پس از صدور حکم در مرحله بدون امکان تجدید نظر نزد قضات با تجربه تر فراهم بوده در مورد در مرحله سوّم نیز مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. نظام تعدّد قاضی استحکام و اتقان داوری اش را افزایش می‌دهد و به عدالت نزدیک تر است اما مانع که وجود دارد آنست که ممکن است موجب نقض حکم حاکم گردیده بر اساس ظوابط فقهی نقض حکم حاکم حرام است. حال سؤالی که به آن باید پاسخ گفت اینست که آیا امکان توجیه فقهی نظام تعدّد قاضی از منظر فقه اهلیت و فقه حنفی وجود دارد یا خیر و موضع قانون افغانستان نسبت به آن چگونه است؟ تذکّر این نکته نیز لازم است که نظام تعدّد قاضی با قضاوت شورایی و هیأت منصفه چه تفاوتی دارد؟

۲- سؤال‌های تحقیق

الف. سؤال اصلی تحقیق

نظام تعدّد قاضی از دیدگاه فقه اهلیت^Δ، فقه حنفی و حقوق افغانستان چیست؟

ب. سؤال‌های فرعی تحقیق

۱. مفهوم قضا، حکم، اجتهاد، تعدّد قاضی و قاضی مأذون چیست؟

۲. اقوال و ادلّه نظام تعدّد قاضی از دیدگاه فقه اهلیت^Δ، فقه حنفی و حقوق افغانستان کدام اند؟



۳. آثار و نتایج نظام تعدد قاضی از دیدگاه فقه اهلیت^Δ، فقه حنفی و حقوق افغانستان کدام اند؟

۳- فرضیه تحقیق

با بررسی های انجام شده این نتیجه به دست آمد که در فقه اهلیت^Δ، فقه حنفی و حقوق افغانستان تعدد قاضی وجود دارد و از حیث مبانی فقهی و آثار ویژه اجتماعی دارای اهمیت به سزای است.

۴- اهداف تحقیق

۱. پاسخگویی به پرسش های فوق

۲. تهیه منبع جهت آشنایی باضوابط واحکام فقهی موجود در این زمینه

۳. معرفی و برجسته سازی مواردی که در فقه و حقوق افغانستان ذکر شده است.

۵- روش تحقیق

در این تحقیق علاوه بر ذکر آراء و اقوال و برشمردن آنها که صرفاً جنبه توصیفی دارد به تحلیل

نظریات، بیان ادله، نقد و بررسی آنها پرداخته شده است و از این رو تحقیق حاضر از نوع

تحلیلی- توصیفی است که با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع اسلامی به تبیین

ظرفیت ها و راه‌های موجود در منابع اسلامی (اعم از منابع اولیه چون کتاب و سنت یا منابع

ثانویه هم چو عقاید اندیشمندان اسلامی) پرداخته است و ضمن تحلیل داده‌ها به نتایج آن

اشاره شده است.

۶- قلمرو تحقیق

قلمرو تحقیق در این پایان نامه، موضوعی بوده که مربوط به قاضی و قضاوت می‌باشد و قلمرو

مکانی و زمانی در این پایان نامه متصور نیست.

۷- ضرورت تحقیق

امروزه در دنیای معاصر جرایمی رخ می‌دهد که در مقایسه با جرایم سنتی، دارای اهمیت پیچیده و

سازمان یافته‌ای است که در اخلال نظام و شیوع فساد تاثیر به سزای دارند و از سوی دیگر قضات و

دادرسی های رسیدگی کننده به پرونده های جرمی نوعا فاقد شرائط و معیار که در اسلام برای قاضی



تعیین شده است، می‌باشد. باتوجه به چنین وضعیتی بحث از نظام تعدد قاضی ضرورت و اهمیت خود را نشان می‌دهد از این رو تحقیق و پژوهش در این زمینه به ما کمک می‌کند که اولاً مبانی و سرچشمه این بحث را بدست آوریم و ثانیاً با استفاده از ظرفیت‌ها و راهکارهای که در نظام کیفری اسلام وجود دارند گامهای مؤثری را در جهت همسوسازی نظام کیفری اسلام با ارزشهای عقلانی و بین‌المللی پذیرفته شده در دنیای امروز برداشته باشیم.

۸- پیشنهاد تحقیق

تابحال هیچ گونه تحقیق و پایان نامه‌ی تحت این عنوان نوشته نشده است ولی گرچه مقالات متعددی راجع به این موضوع نگاشته شده است ولی نقصی که وجود دارد این است که این موضوع در این گونه آثار یا به صورت پراکنده و استطرادی در ضمن مباحث دیگر مطرح شده یا به تبیین و تحلیل بخش از موضوع پرداخته شده است. بنا بر این جای پژوهشی که مسئله را به صورت کامل بررسی کرده و برای چالش‌های موجود راه‌حلهای قانع‌کننده ارائه کرده باشد خالی به نظر می‌رسد که در این نوشتار به آن توجه شده و نقایص یاد شده برطرف گردیده است.

۹- ساختار تحقیق

این پایان نامه از نگاه ساختاری دارای سه فصل و یک مقدمه است. فصل اول که خود مشتمل بر دو گفتار است، مفاهیم کلی مرتبط با موضوع بررسی شده است. بدین ترتیب که در گفتار اول به مفاهیم واژگان کلیدی از قبیل مفهوم قضا، حکم، فقه، نظام، تعدد قاضی در این موضوع بررسی شده است. در گفتار دوم پیشنهاد و تاریخچه موضوع قبل از اسلام، در اسلام و در حقوق افغانستان بررسی شده است. فصل دوم مشتمل بر سه مبحث است. بدین نحو در مبحث اول که شامل دو گفتار است، در گفتار اول از مبانی تعدد قاضی یاد شده است و در گفتار دوم از مبانی وحدت قاضی نام برده شده است. مبحث دوم در مورد اقوال مخالفین تعدد قاضی که خود مشتمل بر دو گفتار می‌باشد بحث شده است. در گفتار اول اقوال و دیدگاه‌های فقهای اهل بیت^ع و مذهب حنفی بررسی شده است. در گفتار دوم ادله فقهای اهل بیت و مذهب حنفی آورده شده است. مبحث سوم که



اقوال موافقین تعدد قاضی است و دارای دو گفتار می باشد . گفتار اول احوال و دیدگاه فقهای اهل بیت و مذهب حنفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته شده است. گفتار دوم ادله فقهای اهل بیت و مذهب حنفی بررسی شده است. فصل سوم مشتمل بر دو مبحث می باشد و دارای دو گفتار است. گفتار اول در مورد آثار و نتایج تعدد قاضی در فقه اهل بیت^۱ بررسی شده است. گفتار دوم آثار و نتایج تعدد قاضی در حقوق افغانستان بررسی شده است. مبحث دوم در مورد تفاوت تعدد قاضی با قضاوت شورای بررسی شده است. گفتار دوم در مورد تفاوت تعدد قاضی با هیأت منصفه است که بررسی شده است.

فصل اوّل:

مفاهیم و کلیات

این فصل ابتدا به مفاهیم واژگان کلیدی پرداخته و سپس به سیر تحول آن در فقه و حقوق بررسی می‌کنیم

گفتار اول: مفاهیم

این مبحث در ضمن چند گفتار یعنی مفهوم لغوی و مفهوم اصطلاحی واژگان بررسی می‌شود

الف: مفهوم قضا

کلمه قضا در لغت و اصطلاح بررسی می‌گردد

۱- قضا در لغت

واژه قضا در زبان عربی از فعل ثلاثی «قضی» «قضاء» و «قضیه» گرفته شده است اصل آن: «قضاء بوده که از قضای گرفته شده و براساس قاعده صرفی یای بعد از الف تبدیل به همزه شده است و جمع آن اقضیه و قضایا می‌باشد»^۱.

قضا به مد و قصر در لغت به معانی بسیاری آمده است از جمله:

به معنای «حکم، قطع، فصل، خلق، فراغ، صنع، اجرا، اتمام، انجام، دادرسی و حکم محکمه است»^۲.

الحکم فی اللغه لمعان کثیره آنها فی الجواهر الی عشره معنی: «الحکم، و العلم، و الإعلام، و عبّر بعضهم^۳ بالإنهاء، و القول، و الحتم، و الامر و الخلق، و الفعل، و الإتمام، و الفراغ»^۴

از نگاه لغت شناسان عرب، واژه «قضاء» یک معنای کلی دارد «و آن فصل الأمر و انقطاع الشئی و تمامه است و معناهای دیگری این واژه به نحوی به همین معنا بر می‌گردد و استعمال این واژه در معانی متعدد از باب اشتراک معنوی می‌باشد»^۵.

۱. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ج ۲۰، ص ۱۸۶.

۲. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۵، بیروت، عالم الکتب، اول، ۱۴۱۴ هـ ق، ص ۴۶۲.

۳. میانجی، محمد باقر، بدائع الأحکام فی تفسیر آیات الاحکام، بیروت، لبنان، موسسه وفا، ۱۴۰۰ ق - ۱۹۸۰ م، ص ۲۶۹.

۴. روحانی، محمدصادق، فقه الصادق، ج ۳۸، المنشورات الاجتهاد، ایران، قم، بی‌جا، ۱۴۲۹ ق.

۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۴۰، تهران، انتشارات کتابچی، بی‌جا، ۱۴۰۴، ص ۷.



فصل اول: مفاهیم و کلیات

- قرآن کریم به عنوان اولین و بزرگترین منشور زندگی مسلمانان، تعاریف متعددی از قضا و قضاوت بیان داشته است که ذیلاً یاد آوری می شود

۱. قضا به معنای امر کردن چنان که در سوره اسراء (و قضی ربک ان لا تعبدوا اِلاّ اِیاه...^۱) آمده است که کلمه قضا در این آیه به معنای امر است و روشن است که امر خداوند، قاطع و حتم است.

۲. قضا به معنای اراده مانند آیه شریفه (و اذا قضی امرنا یقول له کن فیکون^۲)

۳. قضا به معنای خلق کردن و آفریدن مانند آیه شریفه (فقضاهنّ سبع سموات فی یومین^۳)

۴. قضا به معنای اعلام کردن مانند آیه شریفه (و قضینا اِلیه ذالک الامر^۴) اعلام، علم، قول، حتم (فلما قضینا علیه الموت^۵).

۵. قضا به معنای فعل مانند آیه شریفه (فاقض ما أنت قاض^۶)

۶. قضا به معنای حکم مانند آیه شریفه (ثم لایجدوا فی انفسهم حرجا مما قضیت^۷)

اگرچه در قرآن معانی زیادی از قضاوت به کار برده شده است اما معنای اصلی و مشهور آن در میان فقها و حقوق دانان اسلامی همان حکم کردن و دادرسی است و سایر معانی یا از لوازم حکم است یا معانی مجازی این واژه است.

برخی از فقهای بزرگ امامیه نیز متعرض این معنا از نگاه لغت شناسان و استعمال آن در قرآن شده اند:

- صاحب جواهر؛ برای واژه ی (قضاء)، ده معنا یاد آور شده و برای هر کدام شواهدی از قرآن کریم آورده که عبارت است از: ۱. حکم. ۲. اعلام. ۳. علم. ۴. قول. ۵. حتم. ۶. امر. ۷. خلق. ۸. فعل. ۹. اتمام. ۱۰. فراغ^۸.

۱. اسراء، آیه ۲۳

۲. بقره، آیه ۱۱۷

۳. فصلت، آیه ۱۲

۴. الحجر، آیه ۶۶

۵. سبأ، آیه ۱۴

۶. طه، آیه ۷۲

۷. نساء، آیه ۶۵

۸. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۴۰، پیشین، ص ۸.